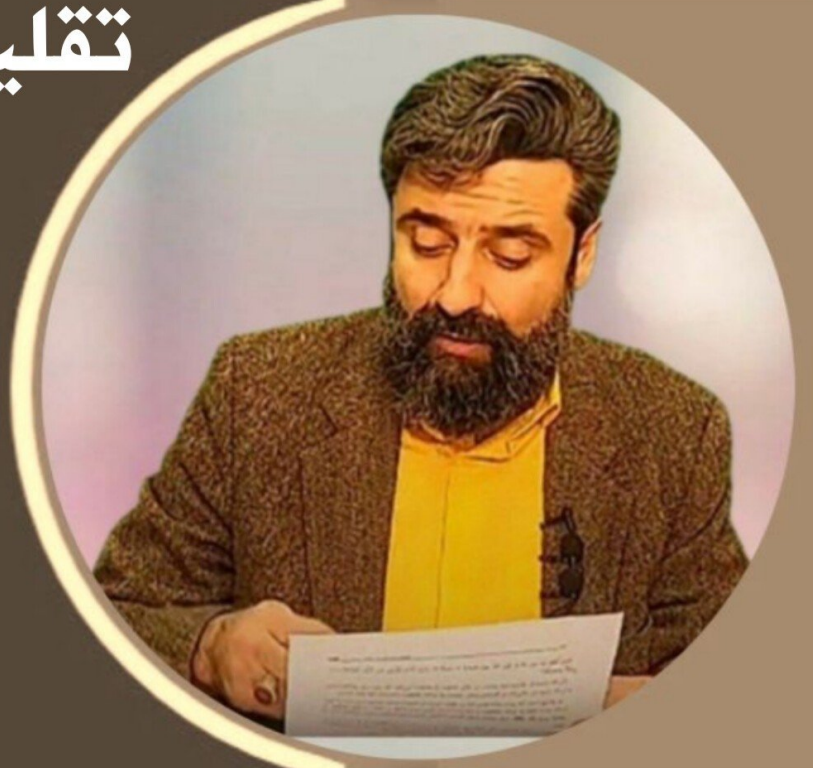


# تبيين عقلایى بودن تقلید در زمان غیبت

دکتر باقرپور کاشانى



## تبیین عقلایی بودن تقلید در زمان غیبت

در عصر غیبت کبری باید چه کار بکنیم؟  
بله اگه حجت خدا باشد به تعبیری آدم خورشید را رها نمی‌کند و دنبال یک چراغ برود! بلکه من تعبیر فوق این‌ها دارم! یعنی نمی‌گوییم نسبت یک عالم، دو عالم، تمام این علما را جمع بکنید، تمام این علمای ربّانی را جمع بکنید، نسبت علم این‌ها به حجت بن الحسن علیه‌السلام، به مانند نسبت یک چراغ موشی هست نسبت به خورشید! تمام علما را می‌گوییم! اما چاره‌ای نیست! وقتی حجت خدا نیست باید چه کار بکنیم؟  
در مواردی که نص صریح وجود دارد، دو حالت دارد:  
یا افراد باید بروند آن‌ها را یاد بگیرند، همه باید بروند یاد بگیرند، لازم است؛ در مواردی هم که نص صریح نیست توقف کنند! حالا در مواردی که توقف باید بکنند گاهی وقت‌ها اصول عملی هست! حالا یک وقت این بحث اعتقادی هست می‌گوییم ما شک داریم ظن داریم، به اندازه‌ی هشتاد درصد می‌گوییم این را می‌پذیریم یقین نیست، ولی یک کار عملی هست الان ما چی‌کار باید بکنیم؟  
یا باید انجام بدیم یا باید ترک بکنیم! نص صریحی هم نیست، این‌جا باید چه کار بکنیم؟ این مسأله‌ی مهمی هست!  
پس چند تا بحث مطرح شد:  
یکی اینکه غیر معصوم باید در عصر غیبت امام عصر علیه‌السلام، برود بر اساس نص صریح این‌ها را یاد بگیرد.

## تبیین عقلایی بودن تقلید در زمان غیبت

حالا ممکن است یک نفر و جمعی قادر نباشند چنین کاری را بکنند! به خاطر مشاغل بسیاری که دارند. مشکلات اقتصادی هست بالاخره جامعه‌ی ما نانوا می‌خواهد، جامعه‌ی ما قصاب می‌خواهد، جامعه‌ی ما مهندس می‌خواهد! بله در ارتباط با اصول اعتقادات باید بروند یاد بگیرند، چراکه اصول اعتقادات از روی تقلید نمی‌شود! آن بحث دیگری هست! یعنی به صرف اینکه طرف نانوا هست دلیل نمی‌شود که در عقائدش بصیرت پیدا نکند! باید برود یاد بگیرد! ما داشتیم اصحاب ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام این‌ها کاسب بودند؛ مثل مفضل بن عمر! اما جزو افراد قوی بودند در معارف اهل‌البیت علیهم‌السلام! پس این دلیل نمی‌شود.

لذا آن علومی که ضرورت دارد «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» زن و مرد هم ندارد باید بروند یاد بگیرند! آن علومی که «أُطْلَبَ الْعِلْمُ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ»، نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند ز گهواره تا گور دانش بجو!

باید بروی آن‌ها را یاد بگیری! علومی هست که به فرمایش نبی اکرم، بُعد مکان معذوریت نمی‌آورد که نروی آن علوم را یاد بگیری!  
«أُطْلَبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ»؛

چین هم شده باید بروی تا آن علوم را یاد بگیری! این‌ها واجب است و ضرورت دارد!

در آن اعتقادات هم که حرفی نیست.

## تبیین عقلایی بودن تقلید در زمان غیبت

یک سری بحث‌هایی در فقه می‌ماند، فقه اصغر در احکام باقی می‌ماند.

این‌ها خیلی جای بحث دارد!

مثلاً شما این همه مسائلی که در خصوص صلاة، صوم، خمس، زکات، حج هست؛ شما می‌بینید که مثلاً گاهی وقت‌ها فقط برای احکام حج، یک کتاب می‌نویسند! برای توده‌ی مردم این یک‌بار حج می‌خواد برود، آن همه روایت گاهی اوقات بعضی روایات به ظاهر در تعارض هم هستند، این آدم باید فقیه باشد که بین روایات بتواند جمع بکند! لذا کار هر کسی نیست! گاهی اوقات در فضای مجازی دو تا روایت می‌آورند می‌گویند ببینید بین فرمایشات معصومین تعارض هست! متأسفانه این افراد روی بی‌سوادی چنین حرفی را می‌زنند! حرف‌های معصومین با هم تعارض ندارد! روایاتی که کاملاً معتبر باشد و از معصومین علیهم‌السلام صادر شده، بین این‌ها هیچ‌گونه اختلاف و تعارضی وجود ندارد و قابل حل است! لذا توده‌ی مردم نمی‌توانند در فقه چنین کاری را انجام بدهند یاد بگیرند! در این جا باید چه کار کرد؟

این جا یک تعدادی می‌روند وقت می‌گذارند اصلاً شغل‌شان و کارشان این است. یعنی مثلاً در حوزه‌ی علمیه درس می‌خوانند، چندین سال علوم عالی یاد می‌گیرند، علوم ابزاری یاد می‌گیرند؛ مثلاً ادبیات عرب سه سال یاد می‌گیرد، فقه یاد می‌گیرد، اصول یاد می‌گیرد. بعد کم‌کم به این جاها می‌رسد که سراغ آیات و روایات می‌رود، حدود پانصد تا ششصد آیه در خصوص فقه که هست و آن همه روایات، این‌ها را استنباط می‌کند، حکمی را استنباط می‌کند.

## تبیین عقلایی بودن تقلید در زمان غیبت

این کارها یک وقتی می‌خواهد! انرژی می‌خواهد!

فرض بکنید که الان بگوییم اصلاً همه بروند یاد بگیرند! بسیار خب! یک دختر ۹ ساله چگونه می‌تواند خودش برود یاد بگیرد؟! نه کامل خواندن یاد گرفته نه نوشتن! از ۷ سالگی مدرسه رفته، دو سال می‌بینی یک عبارت معمولی هم کلی غلط دارد! عرب‌زبان هم تازه نیست!

این چطوری می‌تواند برود و این‌ها را یاد بگیرد؟ بالاخره مجبور است این تکالیف را عمل کند، زیرا به سن تکلیف رسیده است! همین فردی که به سن تکلیف رسیده دختر ۹ ساله، خمس به گردنش هست!

باید نماز باید بخواند! روزه بگیرد! در مسائل نماز، در مسائل صوم دچار اشکال می‌شود!

برایش سؤال پیش می‌آید! امکانش هم نیست برود این‌ها را یاد بگیرد! تازه فرضاً آن کسی هم که حوزه‌ی علمی هست، مگر مثلاً با یک سال، دو سال، پنج سال، ده سال می‌تواند یک نفر دین‌شناس شود؟! در زمینه‌ی فقه چیزی یاد بگیرد؟! آن همه روایات فقهی که ما داریم، ببینید این‌ها باید استدراک و فهم شود! تازه اصلاً چقدر طول می‌کشد؟ سال‌ها طول می‌کشد به آن درجه برسد! حتی کسی که شغلش این است!

## تبیین عقلایی بودن تقلید در زمان غیبت

لذا در این جا چه بحثی مطرح می‌شود؟ من یک بحث عقلی مطرح می‌کنم، یک بحث در ارتباط با نقل آیات و روایات.

بحث عقلی‌اش این است که عقل می‌گوید یک جمعی بروند متخصص شوند و جمع دیگری از تخصص این‌ها استفاده کنند! بعضی شغل‌ها هست و خوب دارد، ضرورت دارد! مثلاً ببینید ما لازم داریم در جامعه پزشکی باشیم؛ پزشکی لازمی یک اجتماع هست! لذا بسیاری از بزرگان در فرمایشات‌شان هست که بحث پزشکی واجب کفایی هست! یعنی بر همه واجب است! منتها اگر به اندازه‌ی کفایت باشد، آن تعدادی که لازم باشد دیگر کافی است، بقیه از گردن‌شان وظیفه ساقط می‌باشد. به خاطر اینکه پزشکی لازمی این است که بتواند سلامتی را برای مردم به ارمغان بیاورد، جان افراد را بتواند نجات بدهد! یک چیز خیلی مهمی هست! یا فرض کنید که شغل‌های مختلف که بالاخره هر کدامش در جای خودش لازم هست؛ مثلاً ما نانوا لازم داریم! یا الان که رو به مدرنیته و تکنولوژی هستیم، گاهی وقت‌ها می‌بینی یک ماشین برای ما ضرورت دارد! بدون ماشین خیلی زندگی سخت است! مکانیک لازم داریم! بنا لازم داریم! مهندس لازم داریم! معمار لازم داریم! قصاب لازم داریم! چوپان لازم داریم! حالا بنده نمی‌توانم هم بروم پزشکی یاد بگیرم، هم گوسفندم را خودم چوپانی بکنم، هم فرض کنید خانم را بتوانم بسازم! هم نانم را بخوام درست بکنم! هم ماشینم را بتوانم خودم موتورش را پایین بیاورم و تعمیر کنم! و خیلی از مسائل دیگر!

## تبیین عقلایی بودن تقلید در زمان غیبت

الآن این قدر علم پیشرفت کرده که گاهی اوقات یک نفر هفت سال عمومی می‌خواند و چند سال بعد تخصص تازه می‌گیرد، فرض کنید می‌شود متخصص گوارش! بعد می‌شود فوق تخصص! این عمرش را گذاشته جوانی‌اش را گذاشته فقط یک تخصص می‌گیرد! نهایتش دو تا می‌گیرد! نهایتش سه تا می‌گیرد! شما می‌بینی که در مورد خود همین چشم، چند تا تخصص هست! قبلاً به خاطر اینکه علم محدود بود، یک نفر فیلسوف بود، ریاضیدان بود، منجم بود، طبیب بود، مثل ابن‌سینا! چون علم محدود بود! مطالبی که از قدیم‌الایام بیان کردند همان‌ها را وقت می‌گذاشتند می‌خواندند. اما الآن علمی که فرض کنید هزار سال پیش در باب طب و پزشکی هست با علم الآن یکی هست؟! تخصص‌ها متفاوت هست! وقت نیست!

یک راهش این است برود و همه‌ی این‌ها را بیاموزد که در اوج صعوبت و بلکه غیر ممکن است نسبت به این زمانی که وجود دارد! نکته‌ی دیگر این است که جمعی بروند متخصص شوند و بنده از تخصص این‌ها استفاده کنم. یعنی ماشینم که خراب شد بروم پیش مکانیک؛ آن مکانیک وقتی که نان می‌خواهد من نانوا هستم بیاید جای من؛ من نانوا هستم وقتی مریض شدم بروم پیش پزشک؛ پزشک وقتی که گوشت می‌خواهد برود پیش قصاب؛ قصاب رجوع می‌کند به دامدار؛ همین‌طور هر کسی قسمتی یا چند شغلی را بخواد قبول کند! این حکم عقل هست! یعنی رجوع غیر متخصص به متخصص!

## تبیین عقلایی بودن تقلید در زمان غیبت

پس تقلید یک بحث عقلی هست! رجوع غیر متخصص به متخصص! شما در حقیقت وقتی به یک پزشکی رجوع می‌کنی داری از تخصص او تقلید می‌کنی! این نسخه‌ای که برای شما می‌نویسد، مثلاً می‌گویی من دلم درد می‌کند روده‌ام چنین هست، می‌گویند شما مزالازین استفاده کن هر هشت ساعت! مثلاً شما قرص آزاتیوپرین استفاده کن روزی یکی، یا روزی دو تا! یا روزی سه تا! یا کورتون استفاده کن مثلاً روزی دو تا یا روزی سه تا با تناسب به چیزی که داری! حالا شما به دکتر بگویید آزاتیوپرین برای چه باید استفاده بکنم؟!

می‌گویند اشکال ندارد من به زبان ساده به تو می‌گویم ولی باید تو تخصص دیده باشی!

ما با توجه به شواهد مختلف، مثلاً گاهی وقت‌ها دل‌ها درد می‌کند، یکی دلش درد می‌کند می‌گویند آپاندیس دارد! یکی دلش درد می‌کند می‌گویند زخم معده دارد! یکی دلش درد می‌کند می‌گویند کولیت دارد! یکی دلش درد می‌کند می‌گویند کرون دارد! مریض‌های مختلف! او تخصصش دارد با توجه به آزمایش‌هایی که صورت گرفته، سونوگرافی، سی‌تی‌اسکن، به مدل‌های مختلف آن‌ها را دیده و یاد گرفته و می‌گوید باید چه کار بکنی. شما در حقیقت داری از او تقلید می‌کنی! آن هم تقلید در چه چیزی؟ در یکی از مهم‌ترین چیزها که حفظ جان هست!